

ارهاب از اسلام است

و هر کس آن را انکار کند کافر است.

تالیف: عبدالقادر عبدالعزیز

بسم الله الرحمن الرحيم
مقدمه مترجم

سپاس برای پروردگار جهانیان و درود و سلام بر پیامبر اسلام ،
امروزه به دلیل دوری مسلمانان از قرآن ، بدون اینکه به قرآن توجه کنند هر چیزی را که باعث باز شدن زبان کفار بر علیه اسلام شود از اسلام جدا معرفی می کنند غافل از اینکه به نص قرآن ، راضی شدن یهود و نصاری از مسلمان زمانی است که از آنها پیروی کند ، حالا که کفر ، ارهاب را به عنوان عیبی از اسلام اعلام می کند غافلان آن را از اسلام جدا معرفی می کنند لذا من این کتاب را که عالم گرانقدر عبد القادر عبد العزیز نوشته است مناسب دیدم تا شاید غافلان به این اصل اسلام باز گردند . از خداوند می خواهم همه مسلمانان را به راه مورد رضای خود هدایت کند.

یک بیان : ارهاب(ترساندن) جزو اسلام است و هر کسی که آن را انکار کند کافر می شود

این بیان به سبب زندانی شدن مولفش در اثنای تالیف نا کامل ماند.

امید است که یکی از نابود کننده های هیل عصر (آمریکا) باشد.

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على المبعوث رحمة للعالمين، وعلي آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

جهان با خبر انفجار ۱۱ سپتامبر و پست شدن آمریکا لرزید ، یک ماه نگذشت که تصمیم گرفت این ذلت را با حمله به افغانستان جبران کند.

در این بقعه زمانی بسیاری از انسانهای سیاسی و دینی نظراتی گمراهانه و حتی بعضی اوقات کفر آمیز در این باره صادر می کردند تا حدی که بیم آن می رفت که به عنوان دین از طرف مردم قبول گردد .

پس به عنوان وظیفه ای که به خاطر علمم بر دوشم گذاشته شده این کار را بر خودم لازم دانستم {رواخذ الله ميثاق الذين أوتوا الكتاب لتبيننه للناس ولا تكتمونه}، آل عمران ۱۸۷ (و بیاور ای پیامبر) آنگاه را که خداوند پیمان موکد (بر زبان انبیاء) از اهل کتاب گرفت که باید کتاب (خود) را برای مردمان آشکار سازید و توضیح دهید و آن را کتمان نسازید. {إن الذين يكتُمون ما أنزلنا من البينات والهدى من بعد ما بيناه للناس في الكتاب أولئك يلعنهم الله ويلعنهم اللاعنون} إلا الذين تابوا وأصلحوا وبينوا فأولئك أتوب عليهم وأنا التواب الرحيم}، "کسانی که آنچه را ما از دلیلهای روشن و هدایت نازل کردیم بعد از آنکه برای مردم روشن ساختیم مخفی کردند، خداوند و لعنت کنندگان آنها را لعنت می کنند. مگر کسانی که توبه کنند و صالح شوند و آن را روشن سازند، من از آنها توبه می پذیرم و برآستی که من تو به پذیر و مهربانم" و صحابه بر این با پیامبر بیعت دادند که هدایت را برای مردم بیان کنند. در این راه از هیچ طعنه و لومه ای نترسند .

دینهای قبلی به این دلیل تحریف شد که گمراهی زیاد شد و علما سکوت کردند خداوند می فرماید: {قل يا أهل الكتاب لا تغلوا في دينكم غير الحق ولا تتبعوا أهواء قومٍ قد ضلوا من قبل وأضلوا كثيراً وضلوا عن سواء السبيل} "مآئده ۷۷ بگو ای اهل کتاب به ناحق راه افراط و تفریط مپیوید و از اهواء و امیال گروهی که پیش از این گمراه شده اند و بسیاری را گمراه کرده اند و از راه راست منحرف گشته اند ، پیروی ننمایید" آنهاهی هم که حق را می دانستند به صومعه و معبد ها فرار کردند تا آن وقت که مردند و حق هم با آنها از میان رفت خداوند می فرماید : {ورهبانية ابتدعوها ما كتبناها عليهم إلا ابتغاء رضوان الله} "حدید ۲۷ و (پیروان عیسی) رهبانیت سختی را پدید آوردند که ما آن را بر آنان واجب نکرده بودیم ولیکن خودشان آن را برای بدست آوردن خوشنودی خدا پدید آورده بودند " تا اینکه وقتی پیامبر ظهور کرد تنها چند نفر معدود با حق بودند مثل زید بن عمرو بن نفیل که برای پیدا کردن حق سفر های بسیاری کرد (بخاری) و کمی قبل از بعثت بر حق وفات کرد .

ولی این تحریف به دین اسلام راه نیافت بلکه با آمدن هر گمراهی خداوند کسی را مجدد دین و سبب حفظ دین می کرد تا حق تا قیامت باقی بماند چون بعد از پیامبر کسی مبعوث نخواهد شد و خدا وعده داده است که: {إنا نحن نزلنا الذكر وإنا له لحافظون} "حجر ۹" ما خود قرآن را فرستادیم و خود ما پاسدار آن می باشیم " و در حدیث هست که طائفه ای از امت همیشه وجود دارد که بر حق هستند و مخالفان ضرری به آنها نمی رسانند از خداوند می خواهیم که ما را از آنها قرار دهد و هرگز از بیان حق دست بر نداریم .

پس به توفیق خداوند می گویم:

یکی از مسائلی که نزد بسیاری به گمراهی کشانده شده این است که:

ارهاب (ترساندن) از اسلام است و کسی که این را انکار کند کافر است

چون خداوند می فرماید: {وأعدوا لهم ما استطعتم من قوة ومن رباط الخيل ترهبون به عدو الله وعدوكم} "انفال ۶۰" برای (مبارزه با) آنان تا آنجا که می توانید نیروی (مادی و معنوی) و (از جمله) اسبهای ورزیده آماده سازید تا بدان (آمادگی و ساز و برگ جنگی) دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید . پس ترساندن دشمنان از اسلام است و کسی که آن را انکار کند کافر است چون: {وما يَجِدُ باياتنا إلا الكافرون}، "و آیات ما را انکار نمی کنند مگر کافران" و می فرماید: {ومن أظلم ممن افترى على الله كذباً أو كذب بالحق لما جاءه آليس في جهنم مثوى للكافرين} "عنکبوت ۶۸" آخر چه کسی ستمگرتر از کسی است که بر خدا دروغ بندد و یا (دین) حق را چون بدو رسد تکذیب کند ؟ آیا جایگاه کافران دوزخ نیست" پس هر کس بگوید اسلام از ارهاب بری است کافر است.

بنابراین کسانی که میگویند ما هم با ارهاب می جنگیم با اسلام می جنگند اگر هم لباس دین بر خود بپوشانند.

دومین مسئله :آمریکا دولتی کافر و دشمن خدا و پیامبر است.

خداوند می فرماید: {إن الذين كفروا من أهل الكتاب والمشركين} "بینه ۶" مسلما کافران اهل کتاب و مشرکین " {لقد كفر الذين قالوا إن الله هو المسيح ابن مريم...} "مآئده ۱۷" بطور مسلم کسانی که می گویند خدا مسیح پسر مریم است کافرند ... تا: {... لقد كفر الذين قالوا إن الله ثالث ثلاثة} "مآئده ۷۳" ... بیگمان کسانی کافرند که می گویند خداوند یکی از سه خداست. و {قاتلوا الذين لا يؤمنون بالله ولا باليوم الآخر ولا يحرمون ما حرم الله ورسوله ولا يدينون دين الحق من الذين أوتوا الكتاب حتي يعطوا الجزية عن يد وهم صاغرون} "توبه ۲۹" با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا و نه به روز جزا ایمان دارند و نه چیزی را که خدا و فرستاده اش تحریم کرده اند حرام می دانند و نه آیین حق را می پذیرند ، پیکار و کارزار کنید تا زمانی که خاضعانه (به اندازه توانایی) جزیه را می پردازند " و کافر دانستن یهود و نصاری از ضروریات دین است و هر کس این را انکار کند کافر است.

و خداوند می فرماید: {إن الكافرين كانوا لكم عدواً مبيناً} "نساء ۱۰۱" بیگمان کافران دشمنان آشکار شما هستند" پس چون آمریکا دولتی کافر است ، ارهاب وی واجب است . تنها کفر وی ارهابش را بر مسلمانان واجب می کند حالا که جز کفر جنگ و اذیت کردن مسلمان را هم دارد ، پشتیبانی از ضد مسلمان را هم دارد.

آمریکا امروز زور گو در تمام جهان است و خیلی شبیه قوم عاد است که خداوند درباره آنها می فرماید: {فأما عاد فاستكبروا في الأرض بغير الحق وقالوا من أشد منا أولم يروا أن الله الذي خلقهم هو أشد منهم قوة وكانوا بآياتنا يجهلون} فصلت ۱۵ " و اما قوم عاد در زمین به نا حق بزرگی فروختند و گفتند چه کسی از ما قدرت بیشتری دارد ؟ مگر آنان نمی دانستند که خداوندی که ایشان را آفریده است از آنان نیرومند تر است ؟ آنان پیوسته آیه های ما را انکار می کردند و نمی پذیرفتند. " در تمام کارهای مملکتها به بهانه ی حفظ امنیت ، حقوق بشر و ضد ارباب و.. دخالت می کند ، که ظاهرا رحم است ولی در اصل عذاب است.

چه انسانی دارد دولت مجرمی که ساکنانش را کسانی تشکیل می دهد که از اروپا آمده و ساکنان اصلی آن یعنی سرخ پوستان را بیرون کرده، سپس برده هایی را از قاره آفریقا آورده تا در آنجا برایشان کشاورزی بکنند، بطوری که نصف ساکنان آفریقا را دزدیدند سپس بعد از آنکه برده ها نیاز آنها را بر طرف کردند آنها را به لیبریا در غرب آفریقا بردند تا در منافع آمریکا با آنها شریک نشوند.

چه انسانی دارد در حالی که تنها کسی که برای اولین و آخرین بار از سلاح هسته ای در "هیروشیما" و "ناکازاکی" استفاده کرد او بود.

چه انسانی دارد در حالی که رئیس جمهور قبلی نیکسون وعده داد که اگر باز گردد همه را به عصر حجر می برد.

آیا انسانیت دارد در حالی که بمب اورانیم اشعه دار را در عراق سپس در افغانستان به کار برد به طوری که حتی اطفال دچار موجی شدن ها و سرطانهای عجیبی می شدند .

چه انسانی دارد در حالی که تنها مدافع یهود بر ضد فلسطین در سازمان بین الملل با داشتن حق وتو اوست.

چه انسانی دارد در حالی که مجاهدان مسلمان را در هر جای زمین مثل کرواسی و البانی می گیرد و تسلیم دولتش می کند تا زندانی یا به قتل برسد.

سومین مسئله : بعضی می گویند مردم عادی بی گناهند:

تقسیم کردن مردم به عادی یا غیر جنگجو و نظامی امری جدید در دین است ، تقسیم شرعی این چنین است :

جنگجو که شامل ۱۵ سال به بالاست و غیر جنگجو که شامل اطفال و زنان و افراد پیر و مریض است که اگر اینها هم در جنگ شرکت کردند جنگجو به شمار می آیند.

پس در اروپا و آمریکا که زنان سرباز می شوند جنگجو حساب می شوند ، این بحث مورد اتفاق علما است و در المعنی ابن قدامه مقدسی مفصل آمده است.

پس شهروندان آنها بی گناه نیستند ، وحتی در حمله آمریکا به افغانستان اکثر مردم آمریکا و انگلستان مدافع بوش بودند.

پس بی گناهان تنها بچه ها و مسلمانانی هستند که برای امری مباح آنجا رفته اند کشتن آنها نیز بعضی اوقات اشکال ندارد ، دلیل این مطلب حدیثی است که صعب بن جثامة در بخاری روایت کرده که : اصحاب از پیامبر در باره کشتن زن و بچه های کفار وقتی که شبانه بر آنها هجوم ببرند و تشخیص مشکل باشد ، سوال کردند ،فرمود : آنها از آنها هستند.

یعنی حکم کفر ولی هایشان شامل آنها هم می شود و اگر جدا کردن مشکل بود کشتن آنها اشکال ندارد. و همچنین اگر کفار مسلمانانی را سپر خود کردند (تترس) کشتن آن مسلمانان جایز است.

و خداوند آن مسلمان را با عمل خودش مبعوث خواهد کرد چون ابن عمر از پیامبر روایت می کند : اگر خداوند عذاب را بر قومی بفرستد همه را می گیرد سپس بر اعمالشان مبعوث می شوند و ام سلمه در باره لشکری که راه می افتد تا کعبه را ویران کند روایت می کند که پیامبر فرمود : همه را به زمین فرو می برد سپس بر نیتشان آنها را مبعوث می کند ...،واین تیمیه در مورد این حدیث در فتوای تتر بحث مفصلی دارد .

و خلاصه مساله این است که قاطی شدن بیگناه با جنگجو ها مانع از جنگ با آنها نمی شود .

پس صحیح نیست که گفته شود شهروندانشان بی گناهند ، هزاران بی گناه در بوسنی و عراق و فلسطین و افغانستان و چین و .. کشته شدند ، و بیشتر مسلمان بی گناه کشته می شود چرا کشته شدن و ناراحتی برای مسلمان مهم نیست ولی خون کافر ارزشمند است .

چهارمین مسئله : ناراحت شدن و همدردی بر کشته شدن آمریکاییها

وقتی که انفجارات آمریکا رخ داد ، سران کشورهای اسلامی و بعضی جماعات اسلامی از جمله اخوان و .. جدا از اینکه انکار این کار را از خود کردند ، اظهار همدردی و تاسف نیز کردند و این در دین اسلام جایز نیست چون خدا می فرماید : {فلا تأس علی القوم الکافرین} "مأئده ۶۸" بر گروه کافران غمگین مباش " {فلا تأس علی القوم الفاسقین} "مأئده ۲۶" بر قوم ستم پیشه و نافرمان غمگین مباش " ، و وقتی که عذاب بر شهر مدین نازل شد پیامبرشان شعیب علیه الصلاة والسلام گفت: {فیکف آسی علی قوم کافرین} "اعراف ۹۳" پس چگونه بر حال قوم بی ایمان اندوه بخورم " ، این دین پیامبران است که بر هیچ دردی که بر کفار نازل شود ناراحت نشوند.

و همچنین خداوند می فرماید: {قاتلوهم يعذبهم الله بأيديكم ويخزهم وينصركم عليم ويشف صدور قوم مؤمنين ويذهب غيظ قلوبهم} "توبه ۱۴ و ۱۵" با آن کافران بجنگید، تا خدا آنان را با دست شما عذاب کند و خوارشان دارد و شما را بر ایشان پیروز گرداند و سینه های اهل ایمان را شفا بخشد. و کینه را از دلهایشان بر دارد، پس بیان می کند که نازل شدن عذاب و پستی بر کفار باید باعث شفاى دل مسلمان شود و کسی که خلاف این باشد مومن نیست، پس واقعا این تاسف خوردن بر آنها نشانه ضعف ایمان و بی غیرتی و جهل به دین و دوستداری جاهلی است {فلا تأس علي القوم الكافرين} "مائده ۶۸" بر گروه کافران غمگین مباش"

پنجم: هر کسی با آمریکا بر ضد مسلمانان هم پیمان شود کافر است. و هر کس با حکام مرتد بر ضد مسلمانان متحد شود کفر است. دلیل این است که می فرماید: {يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا اليهود والنصارى أولياء بعضهم أولياء بعض ومن يتولهم منهم فإنه منكم...} "مائده ۵۱" ای مومنان یهودیان و مسیحیان را به دوستی نگیرید، ایشان برخی دوست برخی دیگرند و هر کس از شما با ایشان دوستی ورزد بیگمان او از زمره ایشان بشمار می آید...، تا {يا أيها الذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه} "مائده ۵۴" ای مومنان هر کس از شما از آیین خود باز گردد، بیان می کند که هر کس دوستدار کفار باشد کافری مثل آنهاست و با این گفته تاکید می شود: {من يرتد منكم عن دينه}، و کمک همان دوستداری است: {وما كان لهم من أولياء ينصرونهم} "آنها دوستی ندارند تا آنها را کمک کند" پس همه دولتهای کمک کننده آمریکا از جمله پاکستان و دولتهای خلیج و.. کافر هستند قبلا هم با حکم نکردن به آنچه خدا نازل کرده کافر بودند و کفر بر کفر را زیاد کرده اند. و دولتهای کافر کار خود را با سخنهای مختلف توجیه می کنند.

نزدیک یک قرن است که انگلیس با رهبری شریف حسن بزرگ مکه به ترکهای عثمانی به اسم "انقلاب بزرگ عربی" - که در اصل خیانت بزرگ عربی بود- حمله کردند تا اینکه در سالهای "۱۹۱۶ - ۱۹۱۸م" بر شام حاکم شدند و ترکها را بیرون کردند، و رهبر انگلیسی لورد لنبی حاکم شد تا اینکه گفت: ای صلاح الدین بر گشتیم، و انگلیس فلسطین را به یهود داد و فرانسه سوریه و لبنان را گرفت و انگلیس عراق و اردن را در اختیار "سایکس بیکو" قرار داد و شریف حسین را در حالی که وعده پادشاهی عرب را به وی دادند به قبرس تبعید کردند [مراسلات الحسین / مکما هون].

و هم پیمانان شریف مثل امروز در اردن حاکم شدند، فلسطین را خیانت بزرگ عربی ضایع کرد و حالا هم اینطور است و در همان وقت انگلیس عراق را به وسیله مسلمانان هند از دست عثمانی ها گرفت و وقتی که مسلمانان هند جنگیدن با عثمانی ها را گناه پنداشتند، شریف و علمای مکه ای دوست وی فتوای جایز بودن آن را صادر کردند. پس انگلیس مسلمانان را به وسیله مسلمانان تسخیر کرد.

و فرانسه سال ۱۹۲۰ با قرار داد "سایکس بیکو" به وسیله مسلمانان تونس و الجزائر، سوریه و لبنان را گرفت. و فرانسه سال "۱۹۵۴ - ۱۹۶۲م" در جنگ آزادی با الجزایری ها به وسیله الجزایریهای به نام "الحرکيون" که عدد آنها ۲۵۰۰۰۰ نفر بود، جنگ کرد و بعد از شهید شدن ۱۰۰۰۰۰۰ نفر و شکست "الحرکيون" با فرانسوی ها به فرانسه رفتند.

و آمریکا مسیحی ها را به وسیله خائن الحرمين الشریفین و فتوای علمای بد که آنها را لشکر دوست اسم می بردند (و اصل شرع را بر مردم پوشاندند)، داخل کرد. و آمریکا عراق را ویران نکرد مگر به وسیله مصر و سوریه و هواپیماهایش را از کویت و سعودی و ترکیه بلند می کرد.

افغانستان را از پاکستان می زند و به وسیله افغانی های ائتلاف شمال - ربانی و دستم - با طالبان می جنگد. و حتی در جنگهای صلیبی قدیم صلیبها با خیانت امیران شام وارد سواحل شام شدند و اندلس نیز به وسیله خیانت سران طوائف سقوط کرد.

و هر بار کفر نفع می برد و مسلمان نیز بعد از از دست دادن دینش، زمین و ثروت خود را از دست می داد و هر دولتی که حمله آمریکا به افغان را یاری می کرد هر کدام نفعی می خواست.

کندا و انگلتر و استرالیا به خاطر مسیحیت و فرانسه و ژاپن به خاطر اینکه نقشی در مصیر افغانستان داشته باشند و ترکیه به خاطر اینکه به اتحاد اروپایی بپیوندند. و ازبکستان به خاطر کمک به دستم ازبکی و تاجیکستان برای کمک به ربانی و دولتهای شمال افغان به خاطر ترس از گسترش دولت اسلامی و پاکستان و چین به خاطر کمک آمریکا به او در برابر هند و گرفتن کشمیر و تا سهمی در آینده افغان داشته باشد و تا اینکه ائتلاف شمال به تنهایی تسلط نداشته باشد و روسیه و چین به خاطر چشم پوشی آمریکا از نقض حقوق بشر آنها و تا آمریکا مثل ویتنام ذلیل گردد.

و اما دولتهای خلیج به خاطر نوکری آنها برای آمریکا چون حامی تخت و تاج آنها است. تا دیروز انگلیس و حالا آمریکا ارباب آنهاست. یک قرن از نائب پادشاه انگلیس و حالا از واشیتتن پیروی می کنند. خلاصه هر کس با کفار برای جنگ با مسلمانان هم پیمان شود کافر است.

ششم: اسم بردن آمریکا و اروپا به جهان پیشرفته

خودشان را به خاطر پیشرویشان در علوم دنیوی و تکنولوژی مثل کفار مغرور هر زمانی جهان اول اسم می برند: {أفلم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم كانوا أكثر منهم وأشد قوة وأكثر أموالاً وأثراً في الأرض فما أغني عنهم ما كانوا يكسبون} فلما جاءهم رسلهم بالبينات فرحوا بما عندهم من العلم وحق بهم ما كانوا به يستهزئون} "غافر ۸۲ و ۸۳" آیا در زمین به سیر و سیاحت نپرداخته اند تا ببینند سرنوشت کسانی که پیش از ایشان بوده اند به کجا کشیده است، آنان که از ایشان نیرومندتر و دارای آثار بیشتری در زمین بوده اند ولی چیزهایی که فرا جنگ آورده بودند ایشان را

رهائی نداد و بدیشان سودی نبخشید xهنگامی که پیامبرانشان آیه های روشن و دلائل آشکاری برای ایشان می آوردند، به دانش و معلوماتی که خودشان داشتند خوشحال و شادان می شدند و عذابی که توسط انبیا از آن بیم داده می شدند و ایشان مسخره اش می دانستند آنان را در بر می گرفت.

صحیح این است که این دولتهای کافر اهل گمراهی و تاریکی هستند: {والذین كفروا أولياؤهم الطاغوت يخرجونهم من النور إلی الظلمات} "بقره ۲۵۷" و کسانی که کفر ورزیده اند طاغوت متولی و سر پرست ایشانند. آنان را از نور بیرون آورده به سوی تاریکی ها می کشانند. " {إنما المشركون نجس} "توبه ۲۸" بی گمان مشرکان پلیدند، آنها از چهار پایان گمراه ترند، زنا و لواط را به اسم آزادی جایز می دانند در حالی که بعضی حیوانات جایز نمی دانند، بخاری از میمون بن مهران؛ و مسلم از ابی رجاء العطاردی نقل می کنند که میمونی زنا کرد همه میمونها جمع شدند و او را رجم کردند.

اسم خودشان را عوض کرده اند {وقالت اليهود والنصارى نحن أبناء الله وأحباؤه} "مائده ۱۸" یهودیان و مسیحیان می گویند که ما پسران و عزیزان خداییم، وقتی خداوند آنها را "المغضوب علیهم" و "الضالین"، اسم می برد دیگر جایز نیست آنها را پیشرفته اسم برد، بلکه آنها اهل گمراهی و تاریکی و کیفی و دوستان شیطان و مملکت ایلیس باید نام برده شوند.

هفتم: سازمان بین الملل طاغوتی است که جز خدا عبادت می شود:

این اصطلاح از طرف کفار صادر شده و مسلمانان نیز پیرو آن شدند مخصوصا بعد از جنگ عراق ضد کویت سال ۱۹۹۰ و در این حال آمریکا خود را رئیس جهان معرفی کرد و دولت درست و مشروع، دولت مورد اراده آمریکا بود. اما از کاخ سفید دستوراتش را بر جهان صادر نمی کرد، بلکه از سازمان بین الملل در نیو یورک، این مجلس که پنج نجس بزرگ را در خود جای داده است، اگر آمریکا چیزی را اراده کرد دایره انفرادی بودن را برای آمریکا وسیع می کند و هم پیمانی برای آمریکا پیدا می کند تا در انتظار عمومی آمریکا در تصمیمش تنها دانسته نشود. بلکه گفته شود که همه یا اکثر دولتها این تصمیم را دارند همچنانکه در جنگ عراق سی کشور بودند و در افغانستان نیز احزابی را تشکیل داده است.

این "مشروع بودن دولتی" را فقط بر ضعیفان اجرا می کنند مثل زدن عراق و افغان و محاصره لیبیا و سودان، اما آن را بر قویهایی مثل اسرائیل اجرا نمی کنند.

پس برای هیچ مسلمانی اعم از فرد یا دولت جایز نیست که به "مشروع بودن دولتی" که آمریکا گذاشته است، اقرار کند یا خواهان تطبیق آن و یا احترام به آن باشد چون کفری بزرگ و خارج کننده از اسلام است. متأسفانه بسیاری از بزرگان دین چنین چیزهایی را بر زبان می آورند و مردم عوام نیز از آنها تقلید می کنند.

بهتر است کفر بودن آن را روشن کنیم: مشروع بودن دولتی در حقیقت شامل حکمهایی است که انسانهایی کافر آن را وضع کرده اند که به احکام اسلام مقید نیستند و آن را بر جهان فرض می کنند که با این کار طاغوت می شوند: {ألم تر إلی الذین یزعمون أنهم بما أنزل إلیک وما أنزل من قبلک یریدون أن یتحاکموا إلی الطاغوت وقد أمروا أن یکفروا به} "نساء ۶۰" آیا تعجب نمی کنی از کسانی که می گویند که آنان بدانچه بر تو نازل شده و بدانچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند (ولی) می خواهند داوری را پیش طاغوت ببرند و حال آنکه بدیشان فرمان داده شده است که به طاغوت ایمان نداشته باشند. و شیطان می خواهد که ایشان را بسی گمراه کند. این آیه این نکته را می رساند که هر کسی جز خدا حکم صادر کند طاغوت است و هر کس حکمش را از وی بگیرد عبد اوست و کافر می شود، {وقد أمروا أن یکفروا به} "در حالی که به آنها فرمان داده شده است که به طاغوت کفر ورزند"، که معنی آن این است که حکم گرفتن از وی ایمان به وی محسوب می شود که مناقض با کفر به وی است و هر کس حکمی را پیش کسی ببرد برای او عبادت کرده است {إن الحکم إلا لله أمر ألا تعبدوا إلا إیاه} "یوسف ۴۰" فرمانروایی از آن خداست و بس. دستور داده است که جز او را نپرستید. بیان می کند که خدا را تنها حاکم دانستن از عبادتهای دستور داده شده از سوی او است و حاکم دانستن غیر وی کفر است چون اسلام آوردن فرد مسلمان درست نمی باشد مگر اینکه به طاغوت کفر بورزد: {فمن یکفر بالطاغوت ویؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی} "بقره ۲۵۶" پس کسی که به طاغوت کفر بورزد و به خدا ایمان بیاورد به محکم ترین دستاویز در آویخته است.

این "شرعی بودن دولتی" و قانونهای وضعی دولتها و دستورهای وضعی همه شامل طاغوت حکمی است و کسی که آن را وضع کند و یا به آن حکم کند و یا حکمش را پیش وی ببرد و یا به آن راضی باشد کافر است و هر کس به خاطر تطبیق حکم طاغوت جنگ کند کافر است: {والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت} "نساء ۷۶" و کسانی که کفر پیشه اند در راه طاغوت می جنگند.

هشتم: قوانین وضعی، دینی جدید است هر کس آن را تشریع کند و یا به آن عمل کند کافر است.

دین، یعنی نظم و شیوه و شرع زندگی مردم، چه حق باشد و چه باطل، {... لکم دینکم ولی دین} "کافرون ۶" آیین خودتان برای خودتان و آیین خودم برای خودم، {ومن یتبع غیر الإسلام دیناً فلن یقبل منه} "آل عمران ۸۵" و کسی که غیر از (آیین) اسلام آیینی بر گزیند از او پذیرفته نمی شود، غیر اسلام را نیز دین نام برده است.

پس چون قوانین وضعی نظم و شرع زندگی مردمی است که در کشورشان این احکام اجرا می شود و اگر به آن راضی باشند، این احکام دین آنهاست اگر چه بپندارند که اسلام دین آنهاست، مثل مشرکان زمان پیامبر می مانند که چیزی از دین ابراهیم را گرفته بودند و حج می کردند به دلیل اینکه بعد ها پیامبر فرمود: بعد از امسال هیچ مشرکی نباید حج کند چون در سوره براءت امر شد و آنها از افرادی هستند که خداوند در باره آنها می

فرماید: «وما يؤمن أكثرهم بالله إلا وهم مشركون» {یوسف ۱۰۶} و اکثر آنان که مدعی ایمان به خدا هستند، مشرک می باشند. خدا را در نماز و روزه و "جوستنیا" و "نابلیون" و "لامبیر" را در حکم پرستش میکنند. {یریدون أن يتحاكموا إلي الطاغوت} " می خواهند داوری را پیش طاغوت ببرند "، بر این دلالت دارد و قبلا بحث کردیم که حکم بردن پیش این قوانین ایمان به طواغیت و عبادت برای آنها است.

فرموده خداوند: {إن الحكم إلا لله أمر ألا تعبدوا إلا إياه} {یوسف ۴۰} فرمانروایی از آن خداست و بس. دستور داده است که جز او را نپرستید "، بر این دلالت دارد و کسی که یکتاپرستی خداوند را در حکم اجرا کند، توحید را رعایت کرده و هر کس حکم را پیش غیر وی ببرد مشرک است. {ولا يشرك في حكمه أحدا} "کف ۲۶" و در فرماندهی و قضاوت خود کسی را انباز (شریک) نمی گرداند "، در این آیه خداوند نهی می کند که در حکم برای وی شریک گذاشته شود. پس کسی که حکم را پیش غیر شرع وی ببرد مشرک و کافر است.

آیه: {ومن لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكافرون} {مائده ۴۴} و هر کس برابر آن چیزی حکم نکند که خداوند نازل کرده است او و امثال او بی گمان کافرنند. نص صریحی است بر کفر هر کسی که حکم خدا را ترک کند و به غیر فرمان و شرع او حکم کند، مثل حاکمین امروزه که به دستور های وضعی و "شرعی بودن دولتی" که حکم مورد اراده سازمان بین الملل است، حکم می کنند. این آیه در مورد یهودیانی نازل شد که فکر می کردند ایمان دارند در حالی که به حکم فرض شده از سوی خداوند بر آنها (رجم زناکار) عمل نمی کردند و حکم دیگری را جایگزین آن کرده بودند، خداوند حکم به کفر آنها کرد و آیه در مورد هر شخص دیگری نیز که حکم خدا را تبدیل کند، صدق می کند.

بعضی از مسلمانان امروزه همانند یهودیان سبب نزول این آیه هستند، کسانی که فکر می کنند مومن و مسلمان هستند ولی احکام خداوند را کنار گذاشته و به احکام اختراع شده از سوی بشر حکم می کنند و در اصول الفقه مقرر است که شان نزول آیه را حصر نمی کند پس آنها را هم که امروزه به غیر آنچه خدا نازل کرده حکم می کنند قطعا کافرنند.

و با این حرفها فریب مخور که می گویند: کفر اصغر است و انسان با آن کافر نمی شود، آن اثری که از ابن عباس نقل می شود ضعیف است چون فقط هشام بن حجير، آن را نقل می کند و اگر هم صحیح باشد مردود است چون قول صحابه دیگران مسعود هست که آن را کفر نام می برد و اصلا قول صحابی که نص عام را خاص نمی کند و همچنین اگر قول دو صحابه در تعارض باشد ترجیح لازم است، و لفظ الکافرون با ال استغراق منظور کفر اکبر است و اینها همه از اصولی هستند که اتفاق علما بر آن است.

همچنین به حرف کسی فریب مخور که می گوید: منظور کفر اکبر است ولی برای کسی که حکم غیر حکم خدا را حلال بداند، این سخن خطا و بدون دلیل است و تقلیدی است که بعضی فقها به آن عادت گرفته اند و با اجماع صحابه رد می شود که اعمالی که کفر هستند با خود عمل، صرف نظر از عقیده اش، فرد کافر می شود و لازم نیست آن را حلال بداند مثل ترک نماز، اما اعمالی مثل شراب خوردن که کفر نیست، انجام دهنده آن کافر نمی شود مگر اینکه آن را حلال بداند، همچنانکه صحابه در مورد کفر قذافه بن مظعون فتوا دادند و حکم غیر ما انزل الله از اعمال مکفره است. {فأولئك هم الكافرون}.

اضافه بر این، اصلا کاری را که حکمای امروزی می کنند حلال دانستن است و حکم به قوانین را جایز و بلکه واجب می دانند و شراب و سود و زنا را اگر دو طرف راضی باشند بلا مانع می دانند و در قانونشان هست که چیزی که در قانون درج نشده باشد نشانه مباح بودن آن است.

اگر ما می گوئیم قوانین وضعی، دینی جدید است منظور این نیست که هر کس در این مملکتها باشد کافر است، بلکه کسانی که قانون را گذاشته یا امر به اجرای آن کرده یا به آن حکم کرده و یا به حکم راضی باشند کافرنند.

و کشوری یافت نمی شود که از حکم به قوانین وضعی سالم مانده باشد مثل حکم در مورد ربا و قوانین تجارتي و کارگری و عقوبات ساخته دست خودشان به جای حدود و ..

خلاصه مساله اینکه: کشور هایی که فکر می کنند اسلامی هستند و با آمریکا بر ضد مسلمانان هم پیمان می شوند از قبل با حکم وضعی کافر شده اند و بر مسلمانان واجب است بر ضد آنها قیام کنند و حاکم مسلمان نصب کنند همچنانکه در حدیث هست که: با اهل امر در گیر نشوید مگر اینکه کفر آشکاری از آنها سر بزند، که شما دلیل بر آن کفر داشته باشید " هر مسلمانی که برای این کار سعی کند، اجر دارد و هر کس سعی نکند گناه دارد و هر کس به آنها راضی باشد از آنهاست.

نهم: دموکراسی دین جدیدی است، هر کس آن را بخواهد یا به سوی آن مردم را فرا خواند، کافر است.

وقتی در قرون وسطی قدرت پادشاهان بر ممالک به کمک کنیسه زیاد شد، مردم به پادشاه و کنیسه و پروردگار کنیسه کافر شدند تا اینکه فیلسوفشان گفت: آخرین پادشاه را به روده آخرین کشیش ببندید، و از دست کنیسه و دین رهایی یافتند و قانونی باب میل خود برای خود گذاشتند و هر وقت می خواستند آن را عوض می کردند.

این واقعه در انگلیس و در فرانسه همزمان با انقلاب فرانسه رخ داد و اروپاییان مهاجر به آمریکا این افکار را به آنجا بردند و دین خود کردند، و آمریکا اولین مدافع دموکراسی در جهان شد و دولتها را به دموکراسی و غیر دموکراسی تقسیم کردند و در همه دولتها به اسم حمایت از نظام دموکراسی و انتخابات داخل شد.

این مسوده (نوشته شده) در اینجا پایان یافت از پروردگار می خواهیم تمام علما و غیر علمای مسلمان از جمله شیخ عبد القادر بن عبد العزیز را آزاد سازد و ما را در اجر باز گرداندن خلافت اسلامی که پیامبر وعده داده شریک سازد.
ما را از دعای خالص خود محروم نسازید.